

نقد فرمایشات اعلیحضرت در برنامه افق ایران (وابستگی به جمهوری اسلامی)

(قسمت هفتم- بخش ۱)

امیرفیض- حقوقدان

در گفتگوی اعلیحضرت در برنامه معرفی افق، جوانک طرف گفتگو، نگرانی خودش را از اینکه ایرانیان اتهام وابستگی به جمهوری اسلامی را متداول و همگانی میدانند مطرح میکند و اعلیحضرت در پاسخ برای ترضیه خاطر جوانک میفرماید <حداقل بمن این اتهامات را نمیزنند که من بارزیم کار میکنم>

تحریر حاضر به احترام این بیت سعدی، متوجه نقد همین قسمت از بیانات اعلیحضرت است:

به نزد ما آنکس نکو خواه توست که گوید فلان خار در راه توست

خاری که در راه اعلیحضرت است بی تدبیری است؛ بی تدبیری، کلی معانی را شامل است که یکی از آنها که در پیشانی این تحریر دیده میشود بی تدبیری به عاقبت کار، اثرات اظهارات و عاقبت افعال است.

بی تدبیری حالتی را در انسان بوجود میآورد که اساسا نیاز انسان را به تدبیر در کار و حرف و عمل، منتفی میسازد و شخص، خود را مخزن تدبیری نیاز در تفکر و اندیشه و آثار و نتایج آن میداند.

سعدی بیتی دارد که حق مطلب را خیلی خوب بیان کرده میگوید:

آنرا که عقل و همت و تدبیر نیست خوش گفت پرده دار که کس در سرای نیست

مقصود از استناد به شهود مزبور اهمیت تدبیر و اتخاذ و بکار بستن آن در امور است.

ملاحظه مهم در منقبت تدبیر

درک بشریت به اهمیت و نیاز به تدبیر، سبب شده که بشر خدا را خلق کند، مبتکر ایجاد ادیان مختلف بشود، بت بسازد، فلاسفه بوجود آورد و بالاخره به وضع قوانین عرفی و سپس قوانین جاری و اساسی برای نظم و نسق جامعه بپردازد و تمامی آنها برای اتخاذ راه و روشی است که از مراتب حاصله از تدبیر سنگ فرش شده است و اصل باور انسان ها بر این است که فقط عبور از این سنگفرشهای مذهبی و یا قانونی، مدبرانه و تدبیرانه است، و همینکه شخص از راه مفروض و سنگ فرش شده دینی و یا قانونی منحرف شود گرفتار عذاب الهی و سردرگمی و اتهام و گرفتاریهای قانونی خواهد شد و با اصطلاح دوران سردرگمی و بی تصمیمی آغاز میگردد.

افراد بشر از تشخیص و بکاربردن تدبیر درست، عاجز هستند، و این کمبود است که آنرا به تدبیر کل جامعه پیوست داده و تشخیص جامعه را بنام فرهنگ و ارزش های ملی و بالاخره قانون و قانون اساسی سرلوحه اقدامات خود قرار داده است.

اعلیحضرت هم در سالهای قبل که با تدبیر ملی عقد اخوت و فکری داشتند و بارزه تدبیر در فرهنگ و ارزش های ملی ایرانیان فراموششان نشده بود چنین فرمایشی داشته اند:

<هموطنان از مدتها قبل تصمیم خودشان را گرفته اند و میل دارند به نظامی برگردند که هم قرنها با آن خو گرفته اند و هم حافظ فرهنگ و ارزش های ملی ایرانیان است>

مثالی درباره منقبت تدبیر آورده شود بهتر است.

بشر همانند ماهیانی است که در یک آب روان (نظم قانونی) آسوده حرکت میکند، اگر هر یک از آن ماهی ها با حرکتی خود را از آن آب جاری بیرون بیاندازد، آنقدر خودش را به اینطرف و آنطرف خواهد زد تا از بین برود. درست مصداق و حالت کسی که تدبیر قانون و سنت و دین و آئین خود را کند و تدبیر خود را مافوق همه چیز بداند.

انسان های منحرف از تدابیر قانونی و سنتی، چون عملا قادر نیستند که تدابیری را ارائه دهند که بتواند جانشین تدابیر قانونی شود <دهن بین> میشوند و هر که از راه رسید و چیزی گفت زمینه تدبیری را برای آن شخص فراهم میکند.

نمونه صادق آنرا میتوان در مورد اعلیحضرت خودمان یافت از هنگامی که از شاهراه تدبیر قانون اساسی مشروطیت و سوگند وفاداری به آن منحرف شدند هر که آمد و نظری داد، آن نظر مبنایی برای تدبیر اعلیحضرت شد؛ نمونه های قابل بررسی: شوراهای مشروطیت - همبستگی سلطنت طلبان و جمهوریخواهان - همه پرسى برای انتخاب رژیم - رفرا ند م دات کام - امروز فقط شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی - امروز فقط اتحاد - سبز، شورای تجزیه طلبان- بی تفاوتی سلطنت و جمهوری و بسیاری نظایر آن که تشکیل دهنده کارنامه سیاسی اعلیحضرت است، در واریسی به هریک خواهیم دید که یکی از در رسیدگان، آن مجموعه را بعنوان یک تدبیر تقدیم اعلیحضرت کرده و ایشان هم پذیرفته اند.

اشخاص بی تدبیر یعنی کسانی که خود را از چارچوب تدابیر قانونی و سنتی جدا میدانند، براحتی در معرض چاپلوسی و تملق قرار گرفته و فراموش میکنند کی بوده و کی هستند.

اعلیحضرت سالها بر این حقیقت قائم به قبول بودند که <آنچه بمن درجه حمایت و پشتیبانی میدهد

بر اساس آنچه که من انجام داده ام نیست بلکه در حقیقت به سبب کارهایی است که پیشینان من انجام

(رادیو بین المللی فرانسه)

داده اند <

ولی بعد از آنکه نمایشنامه آقای شهرام همایون اجرا شد و خطاب به اعلیحضرت گفت: «کارهایی که شما کرده اید از کارهای پدرویدر بزرگتان برتر است» اعلیحضرت هم به این بی تدبیری خو گرفتند که «حمایت و طرفداری مردم از من به اعتبار افکار و حرفه‌های است که من میزنم»

دوران یا تدبیری و بی تدبیری

در کمال تاسف اعلیحضرت بغیر از چند سال نخست، تدبیر تاریخ و سنت و قانونی که در مقابلشان بود را رها کردند و بجای آن فصل بی تدبیری را انتخاب فرموده اند و نه تنها آن راه سنگفرش شده از تدبیر ملت و تاریخ ایران را رها کردند بلکه به خفت و تحقیر و نارسائی آن تدبیری که هر چه بود و نبود سبب استقلال و تمامیت ارضی کشور و پیشرفت و ترقی ایران شده بود پرداختند. «فرهنگ ما خرده شیشه دارد» و گذشته پرافتخار ایران را لایق و سرمشق تدابیر امروز ندانستند و توصیه در فراموشی گذشته و «گذاردن در فریزر» فرمودند و تلاش حرکت در این مسیری تدبیری ساخت خودشان همچنان ادامه دارد که آخرین نمونه آن همین ریاست شورای تجزیه طلبان! و ادعای تحریر قطعنامه تجزیه ایران و همین اظهارات در برنامه «افق ایران» است.

انسان هنگامیکه بی تدبیر شد یعنی از سنت تاریخ ۲۵۰۰ ساله سلطنت و قانون اساسی مشروطیت و سوگند سلطنت و فرهنگ و منش ایرانی برید مانند یک جسم سبک معلق در هوا میشود که هر چه به او نزدیک شود جذب میشود. چنانکه اعلیحضرت با جداشتن از قانون اساسی و سنت سلطنت و تدابیر مشخص آن، به نازیلا گلستان و رضا پیرزاده جذب شدند.

این تحریر در این مقام نیست که موارد عدیده بی تدبیری ایشان را بطرح بیاورد، زیرا غیر از یکی دو مورد در سالهای نخست بعد از شورش ۵۷ (آمادگی دفاع از آب و خاک ایران - اعلام قبول سلطنت - کمک به پناهنده‌های ایرانی مقیم ترکیه) هر چه که دیده میشود بر پایه های بی تدبیری و به اعتنائی به اهمیت و آثار آن قرار گرفته است.

واما بعد وابستگی به جمهوری اسلامی

فرهنگ و ادبیات خودمان ضرب المثلی دارد که (اگر اصفهان دور است گردش نزدیک است) در تطبیق مورد، اگر رجوع به گفته ها و کرده های اعلیحضرت که از مخزن بی تدبیری صادر شده و عملاً بصورت همکاری با جمهوری اسلامی ایجاد نتیجه و رسوب کرده قدری وقت گیر است همین بیانی که فرموده اند «حداقل به من این اتهام را نمی‌زنند که بارژیم کار می‌کنم» میتواند نمونه و مورد ارزیابی قرار گیرد.

مقصود از کار چیست

مقصود از کار بارژیم در بیان اعلیحضرت چیست؟ ظاهر موضوع بر همکاری عملی و فیزیکی بین جمهوری اسلامی و اعلیحضرت دلالت دارد که از صیغه قرارداد کار و خدمت بوجود می‌آید که البته اعلیحضرت کارمند و یا یکی از شخصیت های برجسته رژیم نیستند و لاجرم به اعتبار عدم وجود قرارداد کاری و استخدامی، نمیتوان گفت که اعلیحضرت بارژیم کار میکنند.

آنچه عرض شد ظاهر قضیه و ناشی از برداشت سطحی و عوامانه است اما:

همکاری و طرفداری در حقوق سیاسی

در حقوق سیاسی یک کشور و یایک شخصیت حقوقی سیاسی، کارکردن با رژیم و یا طرفداری از آن به معنای همفکری و موافقت با هویت سیاسی حکومت آن کشور است، بعبارت شمولی، انگیزه کارکردن و یا کار نکردن بایک فعالیت سیاسی حقوقی مانند دولت و یا حزب، اعتقاد مشترک به مبانی حقوقی و مشروعیتی فعالیت سیاسی دولت و یا حزب است و همینکه توافق مشترک مزبور وجود داشته باشد و یا بوجود بیاید فصل همکاری گشوده شده تلقی میگردد، منتها شمول همکاری و محدودیت های آن یکسان نیست.

شاهد بسیار تازه اظهارات آقای امیرحسین جهانشاهی (ازبازیکنان درنمایشنامه مدحی) در مصاحبه اخیر با فیگاروست که گفت: «تا بهار آینده به ایران خواهم رفت زیرا با دولت روحانی توافق مشترک فکری و سیاسی دارم».

جهات همکاری با جمهوری اسلامی

همکاری با رژیم ها و یا احزاب سیاسی در جهت قابل بررسی است یکی تبلیغ در جهت حقانیت رژیم و یا حزب و جهت دوم بر طرف کردن موانع حرکت سیاسی رژیم و یا حزب (فعالیت ستون پنجم دشمن هم همین دوجبهه را شامل میشود).

اعلیحضرت از زمانی که از سوگند سلطنت عدول فرمودند؛ عملاً در صف همکاری با رژیم قرار گرفتند منتها در جهت برداشتن موانع حرکت جمهوری اسلامی. چرا که بزرگترین مانع حرکت جمهوری اسلامی حقانیت و مشروعیت سلطنت بود اعلیحضرت با برداشتن موانع تداوم سلطنت، راه را برای پیشروی بدون مانع شورشان باز کردند. هیچ خدمت و کمک و کاری مهم تر از این نمیتوان در سهم پیروزی و بقای شورشیان یافت.

میخواهم گفته باشم که همکاری کردن فقط زنده باد گفتن نیست برداشتن موانع و ایجاد اعتبار برای دشمن هم یکی از اهم جوانب همکاری و کارکردن است (قانون مجازات ایران شاهنشاهی هم همین تفسیر را وارد دانسته است).

اظهارات خمینی و سران جمهوری اسلامی نشان میدهد، تازمانیکه اعلیحضرت وفادار به سلطنت بودند، بر محور نگرانی و تشویش از بازگشت سلطنت قرار داشت. رفع این نگرانی یعنی بی تدبیری اعلیحضرت کمکی به رژیم کرد که هرگز رژیم تصور آنراهم نمیکرد. این عالی ترین همکاری با جمهوری اسلامی است زیرا که، علاوه بر رفع نگرانی های شورشیان از زمینه های سنتی شاهدوستی ایرانیان و دستاوردهای ایام سلطنت شاهنشاه ایران، اقدام اعلیحضرت سبب ایجاد مشروعیتی برای جمهوری اسلامی شد که از متصدی سلطنت کسب شده بود.

هنگام اقامت شاهنشاه در مکزیک، آمریکا بسیار تلاش کرد که استعفای شاهنشاه را از سلطنت ایران بگیرد حتی جمهوری اسلامی استعفای شاه از سلطنت را مقدمه و شرط آزادی گروگان های سفارت اعلام کرده بودند که شاهنشاه ایران سخت مقاومت کردند.

این کار و خواسته بسیار مهم جمهوری اسلامی را اعلیحضرت در طبق اخلاص برای جمهوری اسلامی انجام دادند؛ آیا وجدان آدمی اجازه میدهد که اهمیت این کار مهم را نادیده بگیرد و قبول کند که اعلیحضرت برای رژیم کار نمیکنند و نکرده است؟ تصور نمیکنم.

اعلیحضرت وقتی اعلام فرمودند که انقلاب ۵۷ بر ضد سلطنت بود و به آن شورش ضد ایرانی اقبال مشروعیّت دادند، این بیانات بی تدبیر، پدِردِ کارکردن با رژیم محسوب میشود کارکردن امری نسبی است و رابطه مستقیم با شخصیت و امکانات دارد، کسی در حدی است که از جمهوری اسلامی تعریف میکند ولی کسی هم در جایگاه و شخصیت و موقعیتی است که مشروعیّت متزلزل جمهوری اسلامی را تأیید و با پاره کردن سند ۲۵۰۰ ساله ایران شاهنشاهی آنرا تثبیت میکند، آیا این دو در حمایت و کمک به جمهوری اسلامی یکسانند؟ البته که خیر.

آیا دومی میتواند خود را منزله از همکاری با جمهوری اسلامی معرفی کند؟ گمان نکنم.

فصل های سنگین همکاری با جمهوری اسلامی

فصول فعالیت های مبارزاتی اعلیحضرت با رسوب و نتایجی همراه است که در کمال تاسف در ارزیابی بطور حتم بنفع جمهوری اسلامی تمام شده است؛ این تحریر نمیخواهد که تمامی آنها را یکایک و ارسای کند.

دیدگاه ایشان به اینکه هر چه اصرار کنید رهبری نمیکنم و بسیاری مطالب وابسته که با فرهنگ و انتظار ملت ایران منافات داشت چرا که انتظار و عادت مردم رهبری شاه در مواقع سخت و تنگدستی است کمی بسیار شایان به راحتی خیال و بقای جمهوری اسلامی شد.

اعلیحضرت تقریباً حدود ۲۵ سال این توصیه را به کرات اراده فرمودند که **> ایرانیان اغفال دیگران نشوند**

و کاری نکنند تا من بگویم که چه بکنید تا هزینه کمتر داشته باشد<

آیا دشوار است این ترمز مبارزه علیه جمهوری اسلامی را ارزیابی کرد و آنرا عمل و کاری بنفع جمهوری اسلامی ندانست.

فلسفه فرهنگی ایرانی >توسل به شاه در مواقع تنگدستی است - رهبری شاه در همه موارد است< چو فرمان یزدان چو فرمان شاه.

مردم را به انتظار گذاشتن و بعد از سالها، رهبری کاری را عهده دار شدن (شرکت در انتخابات آزاد) که موجب آرامش خاطر و رفع نگرانی های جمهوری اسلامی از براندازی میشود همکاری غیر قابل تصور با جمهوری اسلامی است.

(پایان قسمت اول بخش هفتم)

پایان نیافت حرف دل و راز گفتگو